

بررسی و تحلیل شخصیت حضرت حمزه سیدالشهدا در پرتو احتجاج اهل بیت (علیهم السلام)

مهتاب شورمیح^۱

چکیده

حضرت حمزه بن عبدالمطلب (سلام الله علیه) عموی بزرگوار پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) یکی از شخصیت‌های مهم و برجسته در تاریخ صدر اسلام است. فضائل و ابعاد شخصیت این شیر مرد خدا و رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در متون سیره، طبقات، تاریخ و حدیثی و در روایات معصومین (علیهم السلام) مورد توجه بوده است و در کلام اهل بیت (علیهم السلام)، مناسبت‌ها و احتجاجات مختلف با مخالفان اسلام و شیعه بدان تمسک جسته و مباهات می‌کردند. پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) و اهل بیت (علیهم السلام) از این اسوه وفاداری به عنوان شیر خدا و شیر رسول خدا (صلی الله علیه وآله) یاد کرده‌اند. لذا پیامبر عزیز اسلام (صلی الله علیه وآله) و اهل بیت (علیهم السلام) حضرت حمزه (س) را همواره جزء افتخارات و مباهات خود و اسلام دانسته‌اند. او اولین مردی بود که افتخار به کسب لقب سیدالشهدا در جریان جنگ احد نائل شد. مسئله اصلی این پژوهش آن است که: حضرت حمزه سیدالشهدا (سلام الله علیه) به عنوان شخصیتی ممتاز و الگو در گفتار و احتجاجات پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) و امام علی (علیه السلام)، امام حسن (علیه السلام)، امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا، امام علی بن حسین (علیه السلام) در کاخ یزید و امام صادق (علیه السلام) در برخورد با مخالفان معیار و ملاک حقانیت و مباهات بوده است. سؤال اصلی پژوهش این است: چرا پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) و اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه وآله) در احتجاجات

۱. عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن، تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۶/۳ - تاریخ

خود با مخالفان، شخصیت حضرت حمزه (علیه السلام) را معیار سنجش حق و استدلال برتری خود بیان می کردند؟ این تحقیق به بررسی شخصیت حضرت حمزه (سلام الله علیه) بر اساس کتب روایی، حدیثی و تاریخی در چهارچوب احتجاجاتی که در روایات و سخنان پیامبر (صلی الله علیه وآله) و اهل بیت (علیهم السلام) وارد شده می پردازد. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی می باشد.

کلیدواژگان

حمزه، احتجاج، پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله)، امام علی، امام حسن، امام حسین، امام سجاد، امام باقر (علیهم السلام).

مقدمه

در تاریخ صدر اسلام عصر نبوی، کمتر کسی از میان مردان مسلمان و از قبیله قریش هم چون حضرت حمزه بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبد مناف بن قصی بن کلاب را می‌توان پیدا کرد که در سخت‌ترین شرایط از اسلام و پیامبر عظیم‌الشأن اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و از نومسلمانان دفاع کرده و چهره‌ای تابناک از خود بجا گذاشته باشد.

مردی که بزرگ‌ترین افتخارش فرزند عبدالمطلب، عموی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و برادر رضاعی پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) است. ایشان چنان شخصیتی داشت که حتی سال‌ها پس از شهادتش، پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و اهل بیت (علیهم‌السلام) از نام و فضائلش برای پیروزی بر مخالفان و دشمنان در احتجاجات خویش بهره می‌بردند. یکی از افتخارات ایشان آن است که پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بعد از شهادتش برای اولین به او لقب سیدالشهدا داده است و در شهادتش می‌گریست. او سیدالشهدا عصر خویش بود. متأسفانه والایی مقام و فضیلت این مرد در تاریخ مغفول مانده است، لذا این پژوهش در پی آن است که فضائل آن حضرت را در قالب احتجاجاتی که از کلام مبارک پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و اهل‌بیتش (علیهم‌السلام) در محاجه با مخالفان اسلام و شیعه بررسی نماید.

از نظر پیشینه تحقیق، سه کتاب الکترونیکی درباره حمزه سیدالشهدا در سایت بنیاد فرهنگی تربیتی ضیاءالصالحین گذاشته شده است که عبارت‌اند از کتاب الکترونیکی «حمزه سیدالشهدا علیه‌السلام»، از جناب آقای محمدصادق نجمی که نشر مشعر حوزه نمایندگی ولی‌فقیه در امور حج و زیارت در سال ۱۳۸۳ آن را چاپ کرده است ولی اشاره‌ای به موضوع احتجاج نکرده است. کتاب دوم کتاب الکترونیکی «شخصیت حمزه بن عبدالمطلب»، کاری از مجله حوزه است که این کتاب به حذف فرهنگی حمزه، نگاهی کوتاه به زندگی حمزه، از دیدگاه قرآن، در گفتار ائمه (علیهم‌السلام) و سایر فضایل حضرت حمزه اشاره شده است و اطلاعات خوبی به یک پژوهشگر می‌دهد. مطالب این کتاب ارتباط گذری با

موضوع تحقیق حاضر دارد. سومین اثر کتاب «حمزه اولین مدافع اسلام» نیز مجله حوزه آن را تدوین نموده است و ارتباطی زیادی با موضوع مقاله حاضر ندارد. اثر بعدی مقاله‌ای است تحت عنوان «زندگینامه حضرت حمزه سیدالشهدا (علیه السلام)» در پایگاه اطلاع رسانی سازمان اوقاف و امور خیریه اداره کل اوقاف و امور خیریه استان کرمانشاه اطلاعات کلی در مورد زندگی حضرت حمزه (علیه السلام) دارد و اشاراتی هم به موضوع احتجاج کرده است. مقاله‌ای دیگر تحت عنوان «حمزه بن عبدالمطلب» در دائره‌المعارف تشیع، جلد ۶، یک اطلاعات کلی به خواننده ارائه می‌دهد و به موضوع احتجاج توجهی نداشته است. آخرین اثری که پیشینه تحقیق حاضر به شمار می‌رود مقاله‌ای است با عنوان «حمزه بن عبدالمطلب» در دانشنامه جهان اسلام، اطلاعات کلی و خوبی به محقق می‌دهد ولی به موضوع احتجاج نپرداخته است. گرچه مراجعه به این کتاب‌ها و مقالات مفید می‌باشد؛ ولی هیچ‌کدام از آن‌ها به صورت تحقیقی به بررسی و تحلیل تاریخی موضوع احتجاج نپرداخته‌اند. از این رو اثر حاضر تلاشی است با نگاه پژوهشی - تحلیلی در مورد حضرت حمزه (سلام‌الله‌علیه) در پرتو احتجاج و گفتار ائمه (علیهم‌السلام)، امیداست گامی - هرچند ناکافی - در جهت تبیین بیش‌تر ابعاد شخصیت دینی، وفاداری، شجاعت و بصیرت این شیر مرد خدا حضرت حمزه سیدالشهدا (سلام‌الله‌علیه) باشد.

تعریف مفاهیم اساسی مقاله

در نوشتار حاضر اصطلاحاتی وجود دارد که آگاهی از آن‌ها در پیشبرد و تفهیم اهداف پژوهش مؤثر خواهد بود. ابتدا به بررسی مفاهیم آن اصطلاحات پرداخته می‌شود:

حمزه به معنای شیر، آسَد، شیر بیشه.^۱ احتجاج نیز به معنای حجت آوردن. دلیل آوردن، احتجاج کردن، استدلال کردن، اقامه دلیل.^۲ سیدالشهدا در این

۱. دهخدا، لغت‌نامه، ج ۱۹، ذیل واژه حمزه.

۲. دهخدا، لغت‌نامه، ذیل واژه احتجاج.

پژوهش، حضرت حمزه عموی پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) است که جایگاه ایشان را در کلام و احتجاجات پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) و اهل بیت (علیهم السلام) مشخص می‌کند.

اکنون به نقل سخنان و گفتار امامان شیعه (علیهم السلام) در این زمینه پرداخته و سخن این بزرگان را که مانند احادیث پیامبر (صلی الله علیه وآله) در بیان شخصیت حضرت حمزه (سلام الله علیه) به عنوان یکی از افتخارات خاندان نبوت و در کنار شخصیت آسمانی پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) و حضرت امیر مؤمنان علی (علیه السلام)، امام حسن (علیه السلام)، امام حسین (علیه السلام)، امام سجاد (علیه السلام) و حضرت مهدی (عج) بیان شده است، در اینجا دسته‌بندی و به بحث و بررسی گذاشته می‌شود:

۱. حضرت حمزه (سلام الله علیه) در احتجاج و کلام رسول خدا (صلی الله علیه وآله)

یک: حضرت حمزه (سلام الله علیه) در احتجاج رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در میان فرزندان عبدالمطلب

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) در مورد برتری پدران و مادران خویش در میان فرزندان عبدالمطلب از خود، علی، جعفر، حمزه، حسن و حسین و فاطمه و حضرت مهدی (عجل الله تعالی) نام برده است که از بزرگان اهل بهشتند. سلیم بن قیس هلالی در این زمینه چنین نگاشته است:

ابان از سلیم روایت کرده است که روش قریش این بود، هرگاه در مجالسشان می‌نشستند و یکی از اهل بیت را می‌دیدند کلامش را قطع می‌کردند. روزی نیز درحالی که نشسته بودند یکی از آنان گفت: مثل محمد در میان اهل بیتش همچون درخت خرمائی است که در زباله‌دانی روئیده باشد. این خبر به پیامبر (صلی الله علیه وآله) رسید. غضبناک شد و بالای منبر رفت و در جمع مردم چنین فرمود: مردم من کیستم. من محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم هستم و نسبش را تا نزار برشمرد. سپس فرمود: بدانید من و اهل بیتم نوری بودیم که در پیشگاه خداوند در حرکت بودیم. دو هزار سال قبل از آن که خداوند آدم را خلق کند.

وقتی که آن نور تسبیح می‌گفت، ملائکه با تسبیح او تسبیح می‌گفتند. وقتی که خداوند آدم را آفرید آن نور را در صلب او قرار داد و در ادامه در مورد برتری پدران و مادران خویش چنین فرمود:

«بدانید که ما فرزندان عبدالمطلب سادات اهل بهشت هستیم، من و علی و جعفر و حمزه و حسن و حسین و فاطمه و مهدی»^۱.

ابن بابویه هم در اُمالی خویش از قول پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، حضرت حمزه (سلام الله علیه) را در میان فرزندان عبدالمطلب یکی از آقایان بهشتی خطاب کرده است. چنان‌که پیامبر بزرگوار اسلام (صلی الله علیه و آله) در این رابطه چنین فرموده است:

«ما بنو عبدالمطلب آقایان بهشتیانیم یعنی رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، حمزه سیدالشهدا و جعفر ذوالجناحین، علی، فاطمه، حسن و حسین و مهدی ع»^۲.
 بر اساس این حدیث پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) حضرت حمزه سیدالشهدا را یکی از سروران و بزرگان بهشت نام برده است.

دو: حضرت حمزه (سلام الله علیه) در احتجاج رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در میان مهاجران و انصار حضرت حمزه (سلام الله علیه) از گل رحمت شده پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) خلق شده است. چنان‌که در این زمینه ابن عباس از قول پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) چنین فرمود:

«روزی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دست علی بن ابیطالب را گرفت و بیرون شد و می‌فرمود: ای معشر انصار، ای معشر بنی‌هاشم، ای معشر فرزندان عبدالمطلب منم، محمد، منم رسول خدا، من از گل رحمت شده به همراه چهار

۱. هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس، ج ۲، ۸۵۶ - ۸۵۷. «نحن بنو عبدالمطلب ساده اهل الجنه

أنا و علی و جعفر و حمزه والحسن والحسین و فاطمه والمهدی».

۲. صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، الخصال، الأُمالی، ص ۴۷۶ - ۴۷۵.

کس از خاندانم آفریده شدم، خودم، علی و حمزه و جعفر»^۱.
سه: حضرت حمزه (سلام الله علیه) در احتجاج و گفتار رسول خدا (صلی الله علیه وآله)

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) عمویش حضرت حمزه را سرور کشتگان در راه خدا آورده است. به طوری که امام علی (علیه السلام) از قول پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) این گونه نقل کرده است:
«عمّ من حمزه سرور کشتگان در راه خداست»^۲.

۲. حضرت حمزه (سلام الله علیه) در گفتار و احتجاج حضرت علی (علیه السلام)

یک: مباحثات به حضرت حمزه (سلام الله علیه) در گفتار و احتجاج حضرت علی (علیه السلام)

امام علی (علیه السلام) در مورد برتری و فضیلت خاندان خویش از دیگران به هفت تن اشاره و افتخار کرده است که مانند آنها در روی زمین خدا خلق نکرده است. عمویش حضرت حمزه (علیه السلام) یکی از آنان است. ایشان این گونه فرموده است:

«خداوند در میان خاندان ما هفت نفر خلق کرد که در روی زمین مانند آنها را نیافریده است. آنگاه در معرفی این هفت تن چنین فرمود: از ما است رسول خدا (صلی الله علیه وآله) که سید اولین و آخرین و خاتم پیامبران است؛ و از ما است وصی او که بهترین اوصیاء است و دو سبطش حسن و حسین (علیهما السلام) که بهترین اسباطند و عمویش سیدالشهدا و جعفر که به همراه

۳. همان، ص ۲۰۸ - ۲۰۷.

۱. صدوق، محمدبن علی ابن بابویه، الخصال، ج ۲، ص ۵۷۵. «وأما السّابعه والعشرون فعمی حمزه سیدالشهداء فی الجنّه».

فرشتگان پرواز می‌کند و قائم (عج)»^۱.

دو: حضرت حمزه سیدالشهدا در احتجاج امام علی (علیه‌السلام) در شورای شش نفری

بعد از رحلت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) عمر بن خطاب به‌عنوان دومین خلیفه به خلافت رسید. (خلافت ۲۳ - ۱۳ق). وی هنگام مرگش خلافت را به شورای شش نفری متشکل از امیر مؤمنان، عثمان بن عفان، طلحه، زبیر، عبدالرحمان بن عوف و سعد بن ابی وقاص محول نمود. ایشان دستور داد بعد از مرگ وی این شش نفر در خانه‌ام برای تعیین خلیفه جمع شوند و با وی بیعت کنند، به طوری که اگر چهار نفر با یکی از آنان بیعت کرد و تنها یک نفر امتناع ورزید، گردن او را بزنند و اگر دو نفر امتناع کرد گردن آن دو نفر را بزنند و زمینه را طوری فراهم کرد که با عثمان بن عفان بیعت کردند. در این جلسه امام علی (علیه‌السلام) سخنانی ایراد کرد و مناقب خاندانش را برای اتمام حجت برشمرد و از حضرت حمزه به‌عنوان یکی از افتخاراتش نام می‌برد و چنین فرمود:

«شما را به خدا سوگند می‌دهم آیا در میان شما به‌جز من کسی هست که عمویش سیدالشهدا باشد؟ گفتند: نه»^۲.

شیخ صدوق در خصال خود به این موضوع اشاره کرده است. متتهی ایشان این مطلب را این‌گونه آورده است:

«علی گفت: آیا کسی از شما عموی مانند عموی من حمزه سرور شهیدان خدا و پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) وی دارد؟ گفتند: نه»^۳.

۱. حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الإسناد، ص ۲۵. «منا سبعة فلقهم الله عز و جل لم يخلق في الأرض مثلهم، منا رسول الله صلى الله عليه و آله سيد الأولين و الآخرين، خاتم النبيين و وصيه خير الوصيين و سبط خير الأسباط، حسناً و حسيناً و سيد الشهداء حمزه عمه و من قد كان مع الملائكة جعفر و القائم.

۲. طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی اهل اللجاج، ج ۱، ص ۱۸۸ - ۲۱۰. «نشدتکم بالله هل فيکم احد عمه سيد الشهداء غيري؟ قالوا: لا».

۳. صدوق، محمد بن علی ابن بابويه، الخصال، ج ۲، ص ۵۵۵. «هل فيکم احد له عم مثل عمي حمزه أسد الله و أسد رسوله و سيد الشهداء غيري قالوا اللهم لا قال».

مقام و جایگاه حضرت حمزه سیدالشهدا آن قدر بااهمیت است که حتی در انتخاب خلیفه مسلمین در شورای شش نفره هم حضرت علی (علیه السلام) به وجود ایشان مباحث می‌ورزد و نسبت داشتن ایشان با خود را یکی از معیارهای برتری و منقبت خود برای خلافت اعلام می‌کند.

سه: حضرت حمزه (سلام الله علیه) در احتجاج امام علی (علیه السلام) در نامه به معاویه بعد از جنگ جمل

یکی از زیباترین نامه‌های امام علی (علیه السلام) به معاویه پس از جنگ جمل در سال ۳۶ هجری آن بود که در این نامه ادعاهای دروغین معاویه را افشا کرد و فضایل بنی‌هاشم را بازگو نموده و بنی‌امیه را رسوا کرده است. آن حضرت در بیان فضائل بنی‌هاشم از حضرت حمزه (علیه السلام) به با لقب «سیدالشهدا» نام می‌برد که در نماز بر پیکرش پیامبر (صلی الله علیه و آله) بجای پنج تکبیر هفتاد تکبیر گفت. امام علی (علیه السلام) در این نامه چنین نوشته است:

«آنچه می‌گویم برای آگاهی دادن تو نیست، بلکه برای یادآوری نعمت‌های خدا می‌گویم. آیا نمی‌بینی جمعی از مهاجر و انصار در راه خدا به شهادت رسیدند و هر کدام دارای فضیلتی بودند؟ اما آنگاه که شهید ما {حمزه} شربت شهادت نوشید، او را سیدالشهدا خواندند و پیامبر (صلی الله علیه و آله) در نماز بر پیکر او به جای پنج تکبیر، هفتاد تکبیر گفت؟ آیا نمی‌بینی گروهی که دستشان در جهاد قطع شد و هر کدام فضیلتی داشتند، اما بر یکی از ما^۱ ضربتی وارد شد و دستش قطع گردید، طیارش خواندند که با دو بال در آسمان بهشت پرواز می‌کند...»^۲.

چهار: حضرت حمزه (سلام الله علیه) در احتجاج امام علی (علیه السلام) در برابر ناکثین

در جای دیگر این نامه امام در برابر ناکثین بایان فضیلت خاندانش از رسول

۱. جعفر بن ابی طالب، برادر امام علی (علیه السلام) که در جنگ موته شهید شد و به جعفر طیار مشهور است.

۲. نهج البلاغه، ترجمه دشتی، ص ۳۶۴ - ۳۶۷. (فرازی از نامه ۲۸)

خدا (صلی الله علیه وآله) و از حمزه (اسدالله) شیر خدا و از دو سید جوانان اهل بهشت یعنی امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) نام برده است. امام علی (علیه السلام) در این رابطه چنین نگاشته است:

«شما چگونه با ما برابر هستید که پیامبر (صلی الله علیه وآله) از ماست و دروغ‌گوی رسوا از شما، حمزه شیر خدا از ماست و ابوسفیان (اسدالاحلاف)^۲ از شما، دو سید جوانان اهل بهشت از ما و کودکان در آتش افکنده شده از شما^۳ و بهترین زنان جهان از ما و زن هیزم کش دوزخیان از شما^۴، از ما این همه فضیلت‌ها و از شما آن همه رسوایی‌هاست...»^۵.

پنج: حضرت حمزه (سلام الله علیه) در احتجاج امام علی (علیه السلام) با یکی از علمای یهودی اهل شام

در روایات مفصلی که از امام هفتم شیعیان امام موسی کاظم (علیه السلام) نقل است که آن حضرت به واسطه پدران گرامی‌اش از امام حسین (علیه السلام) روایت کرده است که فرمود: روزی یکی از علمای یهودی اهل شام - که کتب آسمانی تورات و انجیل و زیور و صُحُف پیامبران (صلی الله علیه وآله) را خوانده و بر دلایل و براهین همه آن‌ها واقف و آگاه بود، به مجلسی وارد شد که در آن گروهی از اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه وآله)، حضرت امیر (علیه السلام)،

۳. منظور ابوجهل است.

۴. ابوسفیان چون قبایل گوناگون را سوگند داد تا با رسول خدا (صلی الله علیه وآله) بجنگند او را به مسخره (شیر سوگندها) نامیدند.

۵. صبیبه النار: وقتی «عقبه» از سران کینه توز قریش در جنگ بدر دستگیر شد، به هنگام کشته شدن خطاب به پیامبر (صلی الله علیه وآله) گفت: من للصبیة یا محمد؟ (سرپرست فرزندان من چه کسی باشنند؟) پیامبر فرمود: النار (آتش جهنم) از آن پس به «صبیة النار» معروف شد.

۶. بهترین زنان حضرت زهرا (س) است که در حدیث مشهوری پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود: إنک سیده نساء العالمین و زن هیزم شکن، امّ جمیل خواهر ابوسفیان زن ابولهب و عمّه معاویه است که همه طلاها و زیورات خود را فروخت تا برای ادیت پیامبر (صلی الله علیه وآله) مصرف گردد.

۷. نهج البلاغه، ترجمه دشتی، ص ۳۶۶ - ۳۶۷. (فرازی از نامه ۲۸)

ابن عباس، ابن مسعود و ابو معبدالجهنی حضور داشتند. **یهودی گفت:** «ای امت محمد هیچ درجه و فضیلتی از انبیاء و مرسلین ترک نگفتید جز آن که همه آنها را به پیامبر خودتان نسبت دادید، حال حاضرید به سؤالات من در آن مورد پاسخ گوید؟ با این سؤال همه خاموش شده و هیچ نگفتند».

حضرت امیر (علیه السلام) وقتی این گونه دید، فرمود: «آری من حاضریم و این را باز من تکرار می کنم که خداوند متعال هیچ درجه و فضیلتی به انبیاء و مرسلین عطا نفرمود جز آن که همه آنها را به محمد (صلی الله علیه و آله) بخشید بلکه چندین برابر آن را به محمد (صلی الله علیه و آله) عطا فرمود»^۱.

پرسش های مفصلی را که عالم یهودی شامی از امام علی (علیه السلام) کرده و به همراه جواب های آن حضرت که نشان از داشتن علم راسخان است، مرحوم طبرسی (ره) در کتاب الاحتجاج خود شماره روایت (۱۲۷) نقل کرده است.^۲ یکی از این سؤالات و افتخارات عالم یهودی اشاره به قربانی کردن پسر یعنی اسماعیل توسط پدر یعنی ابراهیم (علیه السلام) را می توان نام می برد. امام علی (علیه السلام) در مقابل از حضرت حمزه سیدالشهدا و نحوه شهادتش را احتجاج می کند و از افتخارات پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) می داند. امام علی (علیه السلام) در این رابطه چنین فرمود:

«حضرت ابراهیم پس از این کار فدا یافت (بجای پسر؛ حیوانی را قربانی نمود)، ولی حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) را مصیبتی سخت تر از آن رسید، آن حضرت بر سر جنازه عمویش حمزه حاضر شد، هم او که اسدالله و اسد رسول و یاور دین او بود و جدایی او همچون جدایی روح از جسد بود با این حال اظهار حزن و شورش نکرده و به موضع او از سر احساس خود و احساس اهل بیت او نگاه و نظری نینداخت تا با این صبر و تسلیم امر بودن موجبات خشنودی

۱. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۴۹۷.

۲. همان، ص ۴۹۷ - ۵۳۶.

خداوند را در تمام اعمال فراهم سازد و فرمود: اگر صفیه (خواهر حمزه) محزون نمی شد جنازه او را هم ترک می کردم تا روز قیامت از بطن درندگان و چینه دان پرندگان محشور شود و اگر نبود که این پس از من سنت شود حتماً این کار را می کردم»^۱.

اهمیت و جایگاه حضرت حمزه سیدالشهدا آن قدر رفیع و والاست که در این روایت حضرت حمزه (علیه السلام) هم طراز حضرت اسماعیل (علیه السلام) قرار گرفته است و به مثل روح برای جسم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) تلقی شده است.

شش: حضرت حمزه (سلام الله علیه) در احتجاج امام علی (علیه السلام) در برابر قاسطین

طبرسی در روایت نود و چهار کتاب خود نقل می کند وقتی عمار بن یاسر شهید شد، معاویه گفت: علی او را با خود به جنگ آورده است. پس قاتلش علی است. امام فرمود: حمزه را پیامبر (صلی الله علیه و آله) با خود به جنگ برده است. پس قاتلش پیامبر است. در این حدیث امام علی (علیه السلام) حمزه را هم طراز عمار و معیار حق دانسته است. بهتر است اصل روایت در اینجا ذکر شود. از امام صادق (علیه السلام) این گونه نقل شده است:

«وقتی عمار بن یاسر شهید شد و خبر آن به اهل شام رسید لرزه بر اندام مردم بسیاری افتاده و با یکدیگر گفتند که: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در باب عمار فرموده: «ای عمار تو را گروه ستمکار می کشند» پس عمرو عاص نزد معاویه

۱. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۵۰۸. «قال له اليهودی: فان هذا ابراهیم علیه السلام قد اضع ولد و تله للجبین. فقال علی علیه السلام: لقد کان كذلك، ولقد اُعطی ابراهیم علیه السلام بعد الاضطجاج الفداء و محمد صلی الله علیه و آله و سلم اُصیب بأفجع منه فجیعه، إنه وقف علی عمه حمزه، أسد الله و أسد رسوله و ناصر دینه و قد فرق بین وجه و جسده، فلم یبین علیه حرقة و لم یفرض علیه عبره و لم ینظر إلی موضعه من قلبه و قلوب أهل بیته لیرضی الله عزّ و جلّ بصبره و یستسلم لأمره فی جمیع الفعّال و قال صلی الله علیه و آله و سلم: لولا أن تحزن صفیه لترکته حتّی یحشر من بطون السباع و حواصل الطّیر و لولا أن یكون سنّه بعدی لفعّلت ذلك».

رفته و اظهار داشت ای امیر مؤمنان در میان مردم فتنه و هیجان و آشوب سختی برپا شده، معاویه گفت: برای چه؟ گفت: به جهت قتل عمار. معاویه گفت: عمار کشته شده. مگر چه شده؟ عمرو عاص گفت: مگر نمی‌دانی که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) قاتل او را گروه ستمکار نامیده است؟ معاویه گفت: برای چه؟ گفت: به جهت قتل عمار، معاویه گفت: عمار کشته شده، مگر چه شده؟ عمرو عاص گفت: مگر نمی‌دانی که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) قاتل او را گروه ستمکار نامیده است؟ معاویه گفت: ای عمرو تو هم خطا رفتی، مگر ما قاتل او هستیم؟ قاتل او فقط علی ابن ابی طالب است که او را در مسیر تیرهای ما قرار داده. این خبر به سمع حضرت امیر علیه السلام رسیده و فرمود: اگر این طور باشد پس رسول خدا (صلی الله علیه وآله) قاتل حمزه خواهد بود زیرا همو حمزه را در مسیر تیرهای مشرکین قرارداد.^۱

هفت: حضرت حمزه (سلام الله علیه) در احتجاج امام علی (علیه السلام) در پاسخ به نامه معاویه

طبرسی در حدیث نودوسه کتابش نامه‌ای را از معاویه نقل می‌کند که به امام علی (علیه السلام) نوشته است. در آن نامه از زیادی فضائل خود سخن می‌گوید. در جوابی که امام علی (علیه السلام) برای او می‌فرستد یکی از استدلال‌ات فخر خود را داشتن عمویی چون حمزه سیدالشهدا یاد کرده است. طبرسی در این رابطه چنین نوشته است:

«ابوعبیده نقل کرده که معاویه نامه‌ای به امیرالمؤمنین علیه السلام نوشت که فضائل من بسیار است: پدر من از بزرگان جاهلیت بود و من نیز فرمانروای مسلمانان گشتم، من با پیامبر خویشی سببی داشتم و به واسطه خواهرم که مادر مؤمنین است من دایی مؤمنین هستم و نیز کاتب قرآن نیز بوده‌ام. امیرالمؤمنین علیه السلام پس از مطالعه نامه فرمود: آیا این پسر هند جگرخوار است که به فضائل خود به من فخر می‌کند؟ ای غلام این نامه را برای او بنویس: محمد پیامبر برادر و هم‌ریشه من و حمزه سیدالشهدا عموی من است و جناب جعفر که

۱. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۴۳۱.

شبانه‌روز با فرشتگان پرواز می‌کند برادر من است...». معاویه پس از خواندن این اشعار دستور به مخفی کردن آن داده و گفت: مبادا اهل شام آن را بخوانند که در این صورت متمایل به علی بن ابی طالب خواهند شد.^۱

۳. حضرت حمزه (سلام‌الله‌علیه) در احتجاج قریش در گروه زیادی از مهاجرین و انصار

در ایام خلافت عثمان بن عفان گروهی از مهاجرین و انصار در جانبی از مسجدالنبی نشسته بودند و از فضائل و امتیازان خودشان بحث می‌کردند تا این‌که به قریش و فضل و سابقه و هجرت آن پرداخته و استناد به گوشه‌ای از فرمایشات پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در فضل آنان نمودند. آن‌ها هرکدام از افراد برجسته خود را اسم بردند که فلانی از ماست. قریش گفت: رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) از ماست، حمزه از ماست، جعفر از ماست و الی‌آخر. امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) چنین فرمود:

«راست گفتید: ای گروه قریش و مهاجر و انصار، آیا به این نکته پی برده‌اید که همه این خیرات که از دنیا و آخرت به آن رسیدید تنها به‌واسطه‌ی خاندان ما بوده است و بس».^۲

۴. حضرت حمزه (سلام‌الله‌علیه) در احتجاج امام حسن مجتبی (علیه‌السلام) با منکرین فضائل خاندانش

امام حسن (علیه‌السلام) که وارث علم انبیاء و جدش رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) است، در مناظره‌ای که توسط عده‌ای از مخالفین و منکرین فضائل

۲. همان، ص ۴۲۹ - ۴۳۰ «و روی ابو عبیده قال: کتب معاویه إلى أمير المؤمنين عليه السلام: إن لي فضائل كثيرة، كان أبي سيداً في الجاهلية و صرت ملكاً في الاسلام و أنا صهر رسوله صلى الله عليه و آله و خال المؤمنين و كاتب الوحي. فقال أمير المؤمنين عليه السلام: أبا الفضائل ينبغي عليّ ابن آكله الأكباد؟ اكتب إليه يا غلام: محمد النبي أخی و صنوی و حمزه سیدالشهداء عمی...».

۱. همان، ج ۱، ص ۳۳۷ - ۳۴۰.

پدرش در بارگاه معاویه برپا شده بود، از حضرت حمزه یاد می‌کند. طبرسی در روایت یکصد و پنجاه کتابش به نقل از شعبی و ابومخنف و یزید بن ابی حیب مصری نقل کرده است که روزی عمرو بن عثمان بن عفان، عمرو بن عاص، عتبه بن ابی سفیان، ولید بن عقبه بن ابی معیط، مغیره بن شعبه نزد معاویه بن ابی سفیان اجتماع کرده و بر یک امر اتفاق نمودند. عمرو بن عاص از معاویه خواست تا به دنبال {امام} حسن بفرستد؛ زیرا او {یعنی امام حسن} سیره و روش پدرش را احیاء نموده است. ما همگی او و پدرش را کوچک داشته و هر دو را سب و دشنام می‌دهیم و قدر و منزلت هر دو را خوار می‌سازیم. همگی دنبال امام حسن (علیه السلام) فرستادند. امام در آن جلسه به یکی از افرادی که به عنوان افتخارات خاندانش که در کشتن برادر و جد عتبه بن ابوسفیان در جنگ بدر نقش داشته نام می‌برد. آن حضرت چنین فرمود:

«و اما تو ای عتبه بن ابی سفیان به خدا سوگند که تو کسی نیستی که در حساب و شمار آئی تا من متوجه جواب تو گرددم و من تو را در سب علی ملامت نمی‌کنم، چراکه برادرت را در مبارزه به قتل رسانیده و با شراکت عمویش حمزه جدت را کشت و خداوند به دست این دو، آن دو نابکار را روانه آتش جهنم ساخته و طعم دردناک و سوزانش را بدیشان چشانده.»^۱

۵. حضرت حمزه (سلام الله علیه) در احتجاج امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا

امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا در جمع لشکریان عمر بن سعد خطبه‌ای فرمود. آن حضرت در این خطبه از نسب خود یاد می‌کند و از حمزه که عموی پدرش می‌باشد به عنوان سرور شهیدان و از افتخارات خود در این احتجاج با لشکر عمر سعد نام برده است. طبری در این مورد چنین می‌نویسد:

«ابن سعد در روز عاشورا نماز صبح را خواند و با کسانی که همراهش بودند،

۲. همان، ج ۲، ص ۱۷ و ۳۸ - ۳۹. «... ولا ألوّمك أن تسبّ عليّاً و قد قتل أخاك مبارزه، واشتراک هو و حمزه ابن عبدالمطلب فی قتل جدک حتی أصلاهما الله علی أیدیهما نار جهنم و أذاقهما العذاب الأليم».

بیرون آمد»^۱.

هنگامی که لشکریان به امام حسین (علیه السلام) نزدیک شدند، امام حسین (علیه السلام) شتر خود را خواست و بر آن سوار شد، سپس با صدای بلند که بیشتر مردم بشنوند گفت:

«امّا بعد، نسب مرا بازگوئید و دقت کنید که من کیستم سپس به خود بازگردید و خود را عتاب کنید و ببینید آیا کشتن و هتک حرمت من برای شما رواست؟ آیا من پسر دختر پیامبر شما و پسر جانشین او و پسر عمویم نیستم؟ همان که اولین کسی بود که ایمان آورد و او را در آنچه از سوی خدا آورده بود تصدیق کرد؟ آیا حمزه که سرور شهیدان است، عموی پدرم نیست؟ آیا جعفر که شهید شد و با دو بال در بهشت به پرواز درآمد عموی من نیست؟»^۲.

روز عاشورا در میدان جنگ که دشمن از هر طرف امام حسین (علیه السلام) را محاصره کرده بود، نوجوانی از خاندان امام حسین (علیه السلام) به میدان جنگ رفت. به واسطه ضربه شمشیر دشمن دست نوجوان قطع می‌گردد. نوجوان فریاد زد: «مادر جان» امام حسین (علیه السلام) او را در آغوش گرفت و مژده پیوستن به بزرگانی چون حمزه را به وی داد. امام حسین (علیه السلام) چنین فرمود:

«ای پسر برادرم مصیبتی که بر تو وارد شده است صبر کن و آن را خیر خود به حساب آور؛ چراکه خدا تو را نزد پدران نیکوکار، پیامبر و علی بن ابی طالب و حمزه و حسن بن علی که درود خدا بر همگی آنها باد، می‌برد»^۳.

بررسی و تحلیل شخصیت حضرت حمزه سیدالشهدا ...

۱. طبری، محمدبن جریر، التاریخ، ج ۵، ص ۴۲۲.

۲. ابومخنف، لوط بن یحیی، ترجمه وقعه الطفّ، ص ۱۷۸ - ۱۷۹.

۳. ابومخنف، لوط بن یحیی، وقعه الطفّ، ترجمه وقعه الطفّ، ص ۲۱۱ - ۲۱۲؛ طبری، محمدبن جریر،

التاریخ، ج ۵، ۴۵۰ - ۴۵۱؛ مفید، محمدبن نعمان، الأرشاد فی معرفه حجج الله علی عبادالله، ج ۲، ص

۱۴۰؛ اصفهانی، ابو الفرج علی بن حسین، مقاتل الطالبیین، ص ۷۷.

۶. حضرت حمزه (سلام الله علیه) در احتجاج امام علی بن الحسین (علیه السلام)

یک: حضرت حمزه در احتجاج امام سجاد (علیه السلام) در مسجد جامع شام یکی از خطبه‌های تاریخی و انقلابی که امام علی بن الحسین (علیه السلام) با توجه به منابع تاریخی نقل شده است، خطبه‌ای است که آن حضرت بعد از واقعه کربلا و در زمان اسارت اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه وآله) در شام و در مسجد جامع این شهر ایراد فرمودند. در آن محفل افراد زیادی از جمله یزید بن معاویه و درباریان در آن شرکت داشتند. امام سجاد (علیه السلام) در آن خطبه حضرت حمزه (علیه السلام) را یکی از فضایل و برتری‌های هفت گانه خاندانش برشمرده که خداوند به آن خاندان ارزانی داشته است. امام چنین فرموده است:

«ای مردم شش چیز به ما داده شد، علم، حلم، سماحت، فصاحت، شجاعت، محبت در قلب‌های مؤمنین و هفت فضیلت را خدا به ما داده، فضیلت حضرت محمد (صلی الله علیه وآله)، صدیق از ماست، طیار از ماست، شیر خدا و شیر رسول خدا از ماست و حضرت فاطمه بتول سیده نساء العالمین از ماست، سبط این امت و آقای جوانان اهل بهشت از ماست.»^۱

امام سجاد (علیه السلام) حضرت حمزه (علیه السلام) را در این سخنرانی، جزء اهل بیت خودش قرار داده است و شخصیت او را هم طراز امام حسن و امام حسین (علیه السلام) و سایر اهل بیت پیامبر سلام (صلی الله علیه وآله) بیان کرده است.

دو: حضرت حمزه (سلام الله علیه) در احتجاج امام سجاد در دفع شر دشمن حمزه بن عبدالمطلب عموی بزرگوار پیامبر اسلام در مکه، سال‌هایی که آن حضرت و مسلمانان در معرض آماج حمله و تهدید مشرکان قرار می‌گرفتند،

۱. خوارزمی، موفق بن أحمد، مقتل الحسین (علیه السلام)، ج ۲، ص ۷۶ - ۷۷. «أَيُّهَا النَّاسُ اعْطِينَا سَتًّا وَفَضْلَنَا بِسَبْعِ اعْطِينَا الْعِلْمَ وَالْحِلْمَ وَالسَّمَاحَةَ وَالْفَصَاحَةَ وَالشَّجَاعَةَ وَالْمَحَبَّةَ فِي قُلُوبِهِمُ الْمُؤْمِنِينَ وَفَضْلَنَا بِأَنَّ مَنَا النَّبِيَّ الْمُخْتَارَ مُحَمَّدًا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَ مَنَا الصَّدِيقَ وَ مَنَا الطَّيَّارَ وَ مَنَا اسْدَ اللَّهِ وَ اسْدَ الرَّسُولِ وَ مَنَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ فَاطِمَةَ الْبَتُولَ وَ مَنَا سَبْطًا هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ سَيِّدًا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ».

مسلمان شد و از حریم برادرزاده‌اش پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) و مسلمانان بی‌پناه حمایت و دفاع کرد. چنان‌که امام سجاد (علیه السلام) در رابطه با اسلام حمزه سیدالشهدا چنین استدلال فرموده است:

«هیچ تعصبی صاحب خود را داخل بهشت نکرد، جز تعصب حمزه بن عبدالمطلب آنگاه که بچه‌دان شتری به وسیله مشرکین مکه به سروصورت پیامبر (صلی الله علیه وآله) انداخته شد و حمزه برای دفاع از آن حضرت و دفع شر دشمنان، اسلام را پذیرفت»^۱.

۷. حضرت حمزه (سلام الله علیه) در احتجاج امام محمدباقر (علیه السلام) در برابر منکرین

نام حمزه بن عبدالمطلب بر پایه عرش به عنوان شیر خدا و شیر رسول خدا نوشته شده است. امام باقر (علیه السلام) از قول جد بزرگوارش پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) در احتجاج و مقابله با منکرین فضائل خاندان نبوت چنین روایت فرموده است:

«بر پایه عرش نوشته است: حمزه (بن عبدالمطلب) شیر خدا و شیر رسولش و سرور شهیدان است و در کنگره عرش نوشته است، علی علیه السلام امیر مؤمنان است. این است حجّت ما بر کسی که ما را انکار کند و نسبت به میراث ما جحد ورزد. چه مانعی از گفتن این مطالب داریم با آنکه مرگ در پیش است»^۲.

جدول احتجاجات پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) و اهل بیت (علیه السلام)

۱. عروسی حویزی، عبد علی، تفسیر نورالتقلین، ج ۵، ص ۷۲. «عن علی بن الحسین علیه السلام قال: لم تدخل الجنة حمیه غیر حمیه حمزه بن عبدالمطلب و ذلك حين أسلم غضبنا للنبي صلى الله عليه وآله في حديث السلا أذى القى على النبي صلى الله عليه وآله و سلم».
۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۲۲۴. «علی قائمه العرش مکتوب: حمزه أسد الله و أسد رسوله و سید الشهداء و فی ذؤابه العرش علی أمير المؤمنين (علیه السلام)» کتاب الحجّه، (باب ان الأئمه ورثوا علم النبي و جميع الأنبياء و الأوصياء).

به حضرت حمزه (س)

ردیف	نام احتجاج کننده	احتجاج شونده	مستندات
۱	پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله)	فرزندان عبدالمطلب	کتاب سلیم بن قیس، ج ۲، ص ۸۵۶ - ۸۵۷
۲	پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله)	میان مهاجران و انصار	ابن بابویه، أمالی، ص ۲۰۸ - ۲۰۷
۳	پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله)	_____	صدوق، خصال، ج ۲، ص ۵۵۵
۴	امام علی (علیه السلام)	_____	حمیری، قرب الاسناد، ص ۲۵
۵	امام علی (علیه السلام)	شورای شش نفری در تعیین خلیفه	طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ۱۸۸، ۲۱۰ و صدوق
۶	امام علی (علیه السلام)	در نامه به معاویه بعد از جنگ جمل	نهج البلاغه، فرازی از نامه ۲۸
۷	امام علی (علیه السلام)	ناکثین	نهج البلاغه، نامه ۲۸
۸	امام علی (علیه السلام)	یکی از علمای یهود اهل شام	۵۳۶ - طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۴۹۷
۹	امام علی (علیه السلام)	قاسطین	طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۴۳۱
۱۰	امام علی (علیه السلام)	در پاسخ به نامه معاویه	طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۲
۱۱	قریش	مهاجران و انصار	طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۱
۱۲	امام حسن (علیه السلام)	منکرین فضائل اهل بیت (علیهم السلام)	طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۱
۱۳	امام حسین (علیه السلام)	روز عاشورا در جمع لشکر عمر بن سعد	ابومنخنف، وقعه الطّف

خطیب خوارزم، مقتل الحسین (علیه السلام)، ج ۲	مسجد جامع دمشق	امام سجاد (علیه السلام)	۱۴
العروسی حویزی، تفسیر نورالثقلین، ج ۵	در دفع شر دشمن	امام سجاد (علیه السلام)	۱۵
شیخ کلینی، کافی، ج ۱	منکرین فضائل اهل بیت (علیهم السلام)	امام محمدباقر (علیه السلام)	۱۶

نتیجه گیری

حضرت حمزه (سلام الله علیه) با حمایت‌های بی دریغ خویش از پیامبر عزیز اسلام (صلی الله علیه وآله) و دیگر مسلمانان و ایثار و فداکاری که از خود نشان داد در پرتو معارف نورانی اسلام از مقربان الهی شد و نام خود را در هفت طبقات آسمان‌ها ثبت نمود. مقام و شرافت حضرت حمزه سیدالشهدا آن قدر بالاست که پیامبر بزرگوار اسلام (صلی الله علیه وآله) به عنوان کسی که در جایگاه مقام رسالت است، در میان فرزندان عبدالمطلب و مهاجران و انصار مدینه با توجه به جایگاه ایشان احتجاج و مباحثات می‌کند. امام علی (علیه السلام) با آن عظمتش در شورای شش نفره به منظور تعیین خلیفه مسلمین و همچنین در نامه‌ای به زورگویی چون معاویه و در برابر سپاه ناکثین در جنگ جمل، در مباحثه با یکی از علمای یهود اهل شام، در برابر قاسطین یا اهل شام به سردمداری معاویه، به داشتن عمویی چون حمزه مباحثات می‌کرد. قریش در جمع زیادی از مهاجرین و انصار از اینکه برای اینکه حمزه از قریش است افتخار می‌ورزید. امام حسن (علیه السلام) در برابر منکرین فضائل اهل بیت (علیهم السلام) و امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا در برابر لشکریان عمر بن سعد و امام سجاد (علیه السلام) در مسجد جامع شام در برابر شامیان و امام باقر (علیه السلام) در برابر منکرین فضائل خاندان نبوت به شرافت، شجاعت، جوانمردی و صداقت و بالاخره به وجود حضرت حمزه به عنوان عموی رسول خدا (صلی الله علیه وآله) متوسل و مباحثات و تفاخر می‌ورزد. این امر بیانگر موقعیت و جایگاه بسیار بالای

شخصیت معنوی و انسانی و اخلاقی حضرت حمزه سیدالشهداست که دوست و دشمن این امر را اذعان می‌دارند.

منابع

قرآن.

- نهج البلاغه، ترجمه محمد، دشتی، قم، نور وحی، ۱۳۸۷.
- ابومخنف، لوط بن یحیی، وقعه الطف، تحقیق محمد هادی یوسفی غروی، ترجمه محمد صادق روحانی، قم، طه، ۱۳۹۷.
- اصفهانى، ابوالفرج على بن حسين، مقاتل الطالبین، تحقیق سید احمد صقر، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۹ق.
- حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الإسناد، تحقیق و تصحیح مؤسسه آل البيت (عليهم السلام)، قم، ۱۴۱۳ق.
- خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسين عليه السلام، تحقیق محمد سماوی، قم، انوار الهدی، ۱۳۸۱ش.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، زیر نظر دکتر محمد معین، تهران، چاپ سیروس، ۱۳۳۸ش.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، الأمالی، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶ش.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، النخصال، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ش.
- طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی اهل اللجاج، تحقیق ابراهیم بهادری، چاپ ششم، قم، دارالاسوه للطباعة والنشر، ۱۴۲۵ق.
- طبری، محمد بن جریر، التاریخ، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپ دوم، قاهره، دارالمعارف، ۱۹۶۷م.
- عروسی حویزی، عبد علی، تفسیر نورالثقلین، تحقیق و تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- مفید، محمد بن نعمان، الأرشاد فی معرفه حجج الله علی عبادالله، تحقیق مؤسسه آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث، قم، ۱۴۱۳ق.

هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، تحقیق و تصحیح محمد
انصاری زنجانی، قم، الهادی، ۱۴۰۵ق.